

سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

باسمه تعالی

۱۳۳۴

فرم ویژه مکاتبات مددجویان ص ۱

نام شاخص نام خانوادگی زمانی نام پدر اجمن ش.ش. ۳۳

ش.عکس نوع جرم انعکاسی سابقه کیفری

مدت حبس دادسرای انقلاب تبریز شعبه ۱ اجرای احکام

شماره قرار تاریخ محکومیت شماره تاریخ میزان محکومیت ۱۱ سال

قوه قضائیه

سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

اداره کل زندان های استان تهران

ندامتگاه

اندرزگاه ۴ سالن ۱۲ تاریخ ۹۴/۸/۲۸

موضوع درخواست: دادخواهی و تطمین

به: دادسرای انتظامی قضاوت، دادسرای کارندادوت، کمیته اصل زندگین، هیئت رسیدگی کننده به نقض حقوق شهروندی:

من شاخص زمانی کارکن نقاشی متاهل دارم دو فرزند ۱۳ ساله و ۱۱ ساله در تهران در ۹ خرداد ۹۴ پس از ۹ ماه دوری از والدین و بابیت دیوار با آغا خان شهر تبریز شدم که در بدو ورود توسط مأموران اطلاعات بدون کوچکترین مدرک و حکم بازداشت باز در دفتر تقدیر اسلحه و ضرب و شتم دستگیر و به محلی برده شدم که در ۹ روز کتله بر من جسی در سلول های انفرادی با حیثیت بد و توهمین و تحقیر و تهدید خبیثین باره به مرگ، در اعتراف به این برخورد غیر قانونی و فرسوانه و تقاضای محاکمه در دادگاه عالی با حضور هیئت منصفه و وکیل در انحصار نمودار شده و پس از بازجویی توقیف و زندان دم و علی بن امیه لا اکیلا نمیشود و در به وقت بودن من به پرونده سازی خود سابقه و اتهامات را هم و بیچ از طریق تهدید به مرگ و حق تهدید به تجاوز نمودم، لذا در پی اقدام غیر قانونی و غیر انسانی و خود سرانه و جانفوس از هزاران فردی که غیر از عقده جراح من آنها را ملحقانگی شفاختم با تهدید به مرگ و تهدید به تجاوز به خود و بستگانی و ادار به تمام دروغ علی من کردند که محله جراح در دادگاه گفت: (آقا من ریس دادگاه بازجو به من گفت که اگر متن نوشته شده ما علیه شاخص را امضا نکنیم ذکر و سیرت را آورده و جلوه چشمیت بآن تجاوز می کنیم) با بنیاد و بی تقوی منم ردیف نمود که من در زندان با او آشنا شدم در محضر دادگاه ضمن افتاء برخورد تحقیر و تهدید آمیز رفتن - بازجوها در مورد خودش و سامان و هاجن و شش و چگونگی رفتن آزار اجبار غیر قانونی در مورد سامان تاکید کرد؛ چون ملول مادر کنار هم بودند من شنیدم که او را آتقدر با تهدید به مرگ و تهدید به تجاوز به خود ترسانده و سوز به راه کرده بودند که دیگر او را به بازجویی نمی بردند و بازجو در سلول هر چه می گفت او انجام می داد بطوریکه همان تنهایی که در رابطه با شاخص بر ما روا کرده بودند بر او هم دیده کردند بطوریکه سامان در تنهایی گفت: (تو راه بازجو گفت: و دیده چه نبودم برادر؟ و من در همان دادگاه تاکید کرد: که او و سامان مرا نمی شناسند و با تهدید بازجو من به این کار دارم اندک عقلت این هم کار غیر قانونی هم این بود که من به پرونده سازی و تلافی و خردن آمان من خداده بودم و به حقوق قانونی خود اصرار می کردم با این شرایط بودم کوچکترین مندرجه ای که بتوان روی آن حکم داد مرا تحقیر دادگاه انقلاب تبریز شعبه ۱ قاضی محترم



محل درج مهر ارسال بلا مانع می باشد

نظریه ریاست اندرزگاه

مهر و امضاء افسر نگهبان

فقط اثر انگشت مددجو

کوهی میشود رئیس اندرزگاه

اندرزگاه (۱-۲)